مروری بر عملیات مطلع‌الفجر در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از رزمندگان حاضر در عملیات

طول منطقه عملیاتی مطلع الفجر در تاریخ جنگ کم‌نظیر بود

احمد محمدتبریزی

عملیات مطلع‌الفجر در بیستم آذرماه سال ۱۳۶۰ با رمز مبارک یا مهدی(عج) در منطقه عملیاتی گیلانغرب، به فرماندهی مشترک سپاه و ارتش انجام شد. در این عملیات علاوه بر آزادسازی ارتفاعات مهمی همچون چغالوند و آوزین بیش از ۳۰ کیلومتر از خاک کشورمان از دست دشمن متجاوز آزاد شد. همچنین شهید غلامعلی پیچک در همان ساعات نخستین عملیات به شهادت می‌رسد و نام و یادش برای همیشه در تاریخ ایران ماندگار می‌شود. محمدابراهیم شفیعی از نیروهای حاضر در عملیات، دوستی نزدیکی با شهید پیچک داشته و قبل از شهادت در کنار این شهید بزرگوار بوده است. شفیعی عملیات مطلع‌الفجر را عملیاتی گسترده و سخت برای رزمندگان می‌داند که بزرگی منطقه هماهنگی نیروها را سخت می‌کند. این جانباز دفاع مقدس در گفت‌وگو با «جوان» از تجربه حضور در عملیات مطلع‌الفجر و شرایط رزمندگان و اهمیت انجام عملیات در آن مقطع زمانی صحبت کرده که در ادامه می‌خوانید.

قبل از انجام عملیات مطلع‌الفجر، آمادگی رزمندگان برای انجام این عملیات چطور بود؟

آن زمان سپاه تهران چند گردان بیشتر نداشت و ما در همان روزهای اول جنگ به صورت یک گردان که بیشتر بسیجی بودیم به منطقه رفتیم. روزهای اول جنگ بحث بر سر اعزام نیرو از سراسر کشور به سمت جبهه‌ها بود تا نیروها مانع پیشروی‌های دشمن شوند. ابتدا به پادگان امام علی(ع) رفتیم و دوره نظامی مختصری دیدیم و بعد از آنجا به پادگان امام حسین(ع) منتقل شدیم و روز هفتم یا هشتم جنگ به سمت سرپل ذهاب حرکت کردیم. چون می‌گفتند عراق از آنجا حمله کرده و قصدش تصرف تهران است ما خودمان را سریع به محوری رساندیم که عراق از آنجا می‌توانست به سمت تهران حرکت کند. در پادگان ابوذر مستقر شدیم و هنوز دوره‌های نظامی چندان خوبی ندیده بودیم و آموزش‌های لازم و کار با اسلحه را خیلی خوب بلد نبودیم و شرایط برای‌مان سخت بود. امکانات و تجهیزات و حتی آذوقه در اختیار نیروها نبود و شرایط سختی بر جبهه‌ها حاکم بود. مسئول تدارکاتی به نام شهید صانعی داشتیم و پس از مدتی که در جبهه مستقر شدیم ایشان به ما گفت بچه‌ها بیایید پول روی هم بگذاریم و امروز شیربرنج بخوریم. یعنی شیربرنج آن‌قدر برای‌مان ارزشمند بود. رفته رفته رزمندگان در مناطق مستقر شدند و توانستیم دشمن را شناسایی کنیم. چون روزهای اول نمی‌دانستیم دشمن کجاست، چه تجهیزات و امکاناتی دارد و هر کدام از این امکانات چه اثری دارند کار برای‌مان سخت بود. همچنین سعی کردیم تفاهم و دوستی با نیروهای ارتش برقرار کنیم و از آنها کمک بگیریم. آنها هم با کمال میل پذیرفتند و ناهماهنگی‌ها تبدیل به هماهنگی شد. توانستیم آموزش ادوات و ابزارهای پیشرفته‌تر را هم یاد بگیریم. اینها زمینه‌های خیلی خوبی بود که ظرف یکی دو ماه آموختیم و بعد شروع کردیم عملیات‌ها را انجام دادیم.

نخستین عملیات‌های‌مان در کدام مناطق انجام شد؟

اولین عملیاتی که انجام دادیم عملیات افشارآباد یا بازی‌دراز بود. ارتفاعات بلند دانه‌خشک مشرف به پادگان ابوذر و شهر سرپل ذهاب بود و باید برای آزادسازی آنجا تلاش می‌کردیم. شهید محسن چریک و دیگر دوستان مسئولیت فرماندهی عملیات را برعهده داشتند. عملیات آن‌طور که مورد انتظار بود پیش نرفت. در دشت ذهاب چند عملیات دیگر انجام دادیم و اولین هدف‌مان این بود پادگان ابوذر و سرپل ذهاب را از زیر آتش دشمن دربیاوریم. در ۴۵ روز اول جنگ توانستیم به این هدف برسیم. بعد گفتند مهم‌ترین ارتفاعات منطقه ارتفاعات بازی‌دراز است. ما سریع به سراغ بازی‌دراز رفتیم و در پاییز ۱۳۵۹ عملیات انجام دادیم ولی خیلی نتوانستیم ارتفاعات اصلی منطقه را آزاد کنیم. در این میان در منطقه برآفتاب، تنگه حاجیان را آزاد کردیم. بعد دوباره به منطقه بازی‌دراز برگشتیم و در اردیبهشت ماه سال بعد همراه رزمندگانی مثل شهید پیچک، شهید وزوایی، شهید موحددانش و شهید حاج‌بابا توانستیم یک عملیات بسیار گسترده و موفقیت‌آمیز در بازی‌دراز انجام دهیم و ارتفاعات منطقه را آزاد کنیم. در شهریورماه نیز یک عملیات نیمه‌گسترده با شهید شهبازی، شهید همدانی به فرماندهی شهید پیچک و نیروهای ارتش به صورت مشترک انجام دادیم. آن هم عملیات نسبتاً گسترده و

> پس از کش و قوس‌های فراوان شهید بروجردی تاریخ بیستم آذر را برای انجام عملیات مشخص کرد و عملیات به نام مطلع‌الفجر آغاز شد. هدف عملیات این بود که تهدیدی جدی برای شهرهای بغداد، مندلی و خانقین به وجود بیاوریم. منطقه عملیاتی مطلع‌الفجر نزدیک‌ترین منطقه به پایتخت عراق بود و اهمیت زیادی برای دشمن داشت

خوبی بود هرچند بعضی از محورها نتوانستند به موقع به هدف برسند و به تمام اهداف مورد نظرمان نرسیدیم اما توانستیم باعث و بانی آزادسازی شهر آبادان شویم چراکه عراق یک لشکر تازه‌نفس برای تصرف شهر آبادان آماده کرده بود و این لشکر وقتی که دید حملات گسترده‌ای در غرب در حال انجام است نیروهایش را از جنوب به غرب منتقل کرد. اگر ما آن ارتفاعات را می‌گرفتیم شهرهایی مثل خانقین و مندلی تحت دید ما قرار می‌گرفت و به همین دلیل دشمن تمام تلاشش را انجام داد تا نگذارد ما پیشروی زیادی داشته باشیم. یکی از اهداف ما آزادسازی قصرشیرین تا منطقه خانقین بود و در آنجا مناطقی آزاد شد ولی مهم‌تر این بود که ماشین جنگی دشمن صدمات زیادی دید.

آذر ۱۳۶۰ رزمندگان در جبهه‌ها چه شرایطی داشتند و چطور آماده انجام عملیات مطلع‌الفجر شدند؟

من به همراه رزمندگان دیگر مثل شهید وزوایی در جریان عملیات بازی‌دراز مجروح شدیم و کمی بعد شهید پیچک همه را جمع کرد و گفت الان فرصت طراحی یک عملیات خیلی بزرگ‌تر است. بعد به تهران آمدیم و ایشان به ملاقات حضرت امام رفت و برای‌مان تعریف کرد که گزارشی از وضعیت جبهه‌های غرب کشور را به حضرت امام داده و

ایشان هم گفته‌اند اگر بتوانید عملیات گسترده‌ای که بتواند یک ضربه مهلک به دشمن وارد کند انجام دهید می‌توانیم دست برتر را در جنگ داشته باشیم. بنا به صحبت‌هایی که ایشان نقل کرد تأکید بر انجام یک عملیات گسترده و بزرگ بود. در نتیجه از آنجا کلنگ برنامه‌ریزی برای عملیات مطلع‌الفجر زده شد. در این عملیات می‌خواستیم از جوانرود محور عملیاتی را شروع کنیم تا سرپل ذهاب، قصرشیرین، ارتفاعات بازی‌دراز، برآفتاب، تنگه حاجیان، شهر گیلانغرب و از آن سمت به سمت شیاکوه و سومار تا ارتفاعات میمک و مشرف به مندلی بیاییم. منطقه عملیاتی خیلی وسیع و گسترده بود و ما نیروهای زیادی برای شناسایی منطقه گذاشتیم. خوشبختانه شناسایی‌ها به خوبی انجام شد و شهید بروجردی، شهید پیچک، شهید محسن حاج‌بابا و شهید داودآبادی به همراه برادر رحیم صفوی در این عملیات نقش کلیدی داشتند. در ارتش هم شهید صیادشیرازی و سرهنگ نصراصفهانی مسئولیت کارها را برعهده داشتند و شهید بروجردی فرمانده عملیات بود. پیشنهادهای اولیه را به شهید بروجردی دادیم، برنامه‌ریزی‌ها برای انجام این عملیات بزرگ انجام شد منتها ایشان گفتند باید خیلی سریع عملیات انجام شود. اما شهید پیچک با سرعت بخشیدن به عملیات مخالف بود. چند روزی ما با شهید بروجردی جلسات مشترکی داشتیم ولی ایشان اصرار داشت هرچه زودتر عملیات انجام شود.

دلیل مخالفت شهید پیچک و اصرار شهید بروجردی برای تسریع در انجام عملیات چه بود؟

شهید پیچک چند دلیل عمده را نقل کردند. دلیل اول این بود که ما تازه از عملیات بازی‌دراز در شهریورماه خلاصی پیدا کرده‌ایم و برخی از نیروها هنوز مجروحیت‌شان خوب نشده است. می‌گفتند بگذارید نیروها بهبود پیدا کنند و بعد فرصت برای شناسایی بیشتری داشته باشیم و بتوانیم نیروی بیشتری جذب کنیم. چون عملیات‌های گسترده نیروی بیشتری نیاز دارد. این سه دلیل شهید پیچک برای تأخیر در انجام عملیات بود. شهید بروجردی هم می‌گفت تسریع در انجام عملیات یک دستور است. حتی ایشان نگفت چه کسی این دستور را داده است. در نهایت پس از کش و قوس‌های فراوان شهید بروجردی تاریخ بیستم آذر را برای انجام عملیات مشخص کرد و عملیات در صبح ۲۰ آذر ۱۳۶۰ به نام عملیات مطلع‌الفجر آغاز شد و هدف عملیات بر سر این بود که تهدیدی جدی برای شهرهای بغداد، مندلی و خانقین به وجود بیاوریم. منطقه عملیاتی مطلع‌الفجر نزدیک‌ترین منطقه به پایتخت عراق بود و اهمیت زیادی برای دشمن داشت. البته باید این را گفت ما در غرب کشور غیر از عوامل دشمن باید با ضدانقلاب هم می‌جنگیدیم. یعنی ما همیشه باید عملیات‌های گسترده را دوجانبه انجام می‌دادیم تا بتوانیم موفق شویم. این کار را برای‌مان خیلی سخت‌تر می‌کرد. شهید پیچک با تعدادی از بسیجی‌ها از حساس‌ترین محور عملیات در ارتفاعات صعب‌العبور برآفتاب کار را شروع کرد. آقای مرندی از تنگه کورک و تنگه حاجیان عملیات کرد، شهید موحددانش از سمت بین تنگه کورک و قاسم‌آباد عملیات را انجام داد و به شدت هم مجروح شد. شهید وزوایی و بروجردی در دیدگاه فرماندهی بودند و شهید حاج‌بابا سعی می‌کرد عملیات را مدیریت و رهبری کند. با طلوع سپیده عملیات آغاز شد. چون محور بسیار گسترده بود هماهنگی لازم برای آغاز عملیات به صورت یکنواخت در همه انجام

> صبح زود روز بیستم آذر ۱۳۶۰ عملیات آغاز شد. در طول مسیر از شهید پیچک پرسیدم چرا حساس‌ترین و سخت‌ترین نقطه را برای عملیات انتخاب کردید؟ ایشان گفت می‌خواهم منیت‌ها را در خودم بکشم و می‌خواهم فرماندهی را کنار بگذارم و عاشقانه مثل یک بسیجی بروم

نشد و نیروها در بعضی مناطق زودتر به هدف رسیدند و بعضی محورها به خاطر موانع و مشکلات مسیر با تأخیر به اهداف‌شان رسیدند. آن انسجام و یکپارچگی که بتواند در محوری که بیش از ۱۵۰ کیلومتر طول عملیات بود وجود نداشت. منطقه فوق‌العاده گسترده بود. شما حساب کنید از نزدیک جوانرود تا سومار بیش از ۱۵۰ کیلومتر می‌شود و گستردگی منطقه عملیاتی کار را برای هماهنگی همه نیروها سخت می‌کرد.

شهید پیچک در جریان همین عملیات به شهادت رسید؟

بله، صبح زود روز بیستم عملیات آغاز شد و به همراه شهید پیچک حرکت را آغاز کردیم. در طول مسیر من از ایشان پرسیدم چرا حساس‌ترین و سخت‌ترین نقطه را برای عملیات انتخاب کردید؟ ایشان گفت می‌خواهم منیت‌ها را در خودم بکشم و می‌خواهم فرماندهی را کنار بگذارم و عاشقانه مثل یک بسیجی بروم. گفتم مشخص است شما شهید می‌شوید، که شهید پیچک پاسخ داد این نهایت آرزوی من است و شما برای شهادتم دعا کنید. قبل از آغاز عملیات برادرم برای سلامتی رزمندگان صبح در گوش‌شان دعا می‌خواند و از زیر قرآن ردشان می‌کرد. از شهید بروجردی شروع کرد و به شهید پیچک رسید ولی ایشان اجازه نداد برایش دعا خوانده شود. وقتی دلیلش را پرسیدند، ایشان گفت من تا چند ساعت دیگر شهید خواهم شد و همگی برای شهادتم دعا کنید. شهید گفت در این عملیات برگشتی وجود ندارد. مسیر عملیاتی شهید پیچک دو ساعت پیاده‌روی داشت و پس از طی کردن مسیر، ایشان در اولین سنگر با دشمن درگیر شدند و در ارتفاعات سخت و ناهمگن نبردی نابرابر و سخت با دشمن انجام دادند. در نهایت حدود ساعت ۸ صبح ۲۰ آذر شهید پیچک به شهادت رسیدند. خبر به گوش شهید وزوایی رسید و ایشان چون می‌دانست من ارتباط نزدیکی با شهید پیچک دارم، اول سعی کرد خبر را به من و سایر دوستان شهید ندهد تا دچار نگرانی و ناراحتی نشویم. من برای هدایت تانک‌ها و نفربرهای زرهی رفته بودم و بعد از ساعت ۹ صبح خبر شهادت را به من رساندند که خیلی برایم سخت و ناگوار بود.

عملیات چند روز به طول انجامید و تا چه میزان اهداف مورد نظر محقق شد؟

این مناطق عملیاتی از چند دلیل برای ما اهمیت داشت. اگر این مناطق را آزاد می‌کردیم چون به بغداد نزدیک بود، می‌توانستیم پایتخت عراق را مورد تهدید قرار دهیم و دست برتر را در جنگ داشته باشیم. همچنین شهرهای بزرگی مثل مندلی و خانقین نیز در تیررس ما قرار می‌گرفت. از آن سمت شهرهای بزرگی مثل قصرشیرین، سرپل ذهاب، گیلانغرب و سومار از تیررس دشمن خارج می‌شد و این برای‌مان مهم بود. پاره‌ای از این اهداف محقق شد که برای‌مان اهمیت داشت. عملیات مطلع‌الفجر به نسبت عملیات‌های قبلی عملیاتی نسبتاً طولانی بود و ۱۸،۱۷ به طول انجامید. اهداف ما بسیار بلندپروازانه بود و خودمان می‌دانستیم به طور حتم به همه اهداف عملیات نمی‌رسیم

شهید پیچک در جمع رزمندگان

ولی گفتیم اگر خط دفاعی شکسته شود احتمال رفتن به عمق برای‌مان کار ساده‌ای خواهد بود. دشمن هم برای همین تمام تلاشش را کرده بود تا خط اول و دوم دفاعی‌اش شکسته نشود. نیروی خیلی زیادی هم به منطقه آورده بود. تجهیزات پیشرفته‌تری داشت و پشتیبانی هوایی و زمینی خوبی از نیروهایش در منطقه می‌کرد. تمام اهداف کلی و مدنظر عملیات محقق نشد ولی ارتفاعاتی مثل شیاکوه، بخش‌هایی از سومار، گیلانغرب و سرپل ذهاب آزاد شد و کمک کرد شهرهای‌مان کمتر در دید دشمن باشد.

می‌توان گفت عملیات مطلع‌الفجر در راستای عملیات‌هایی بود که بعدها اعتماد به نفس را به جبهه‌های‌مان آورد؟

بله، ما بعد از این عملیات تجربه و اعتماد به نفس زیادی به دست آوردیم و برای عملیات‌های بزرگی مثل فتح‌المبین و بیت‌المقدس برنامه‌ریزی کردیم. نخست در ابتدای سال ۱۳۶۱ عملیات بزرگ فتح‌المبین را انجام دادیم که بسیار سرنوشت‌ساز بود. این نکته کلیدی است که اعتماد به نفس به مرور به جبهه‌های‌مان آمد و توانست خودش را نشان دهد. هر چه از شروع جنگ گذشت ما شناخت خوبی از دشمن و شرایط جنگی پیدا کردیم و توانستیم برای عملیات‌هایی مثل فتح‌المبین برنامه‌ریزی کنیم.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۷۰

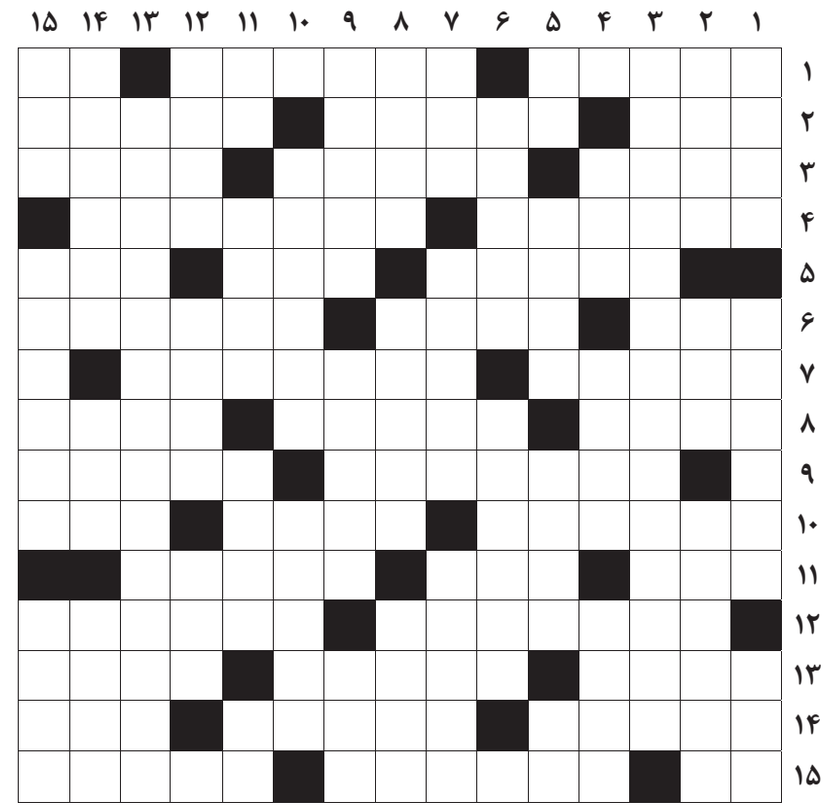

از راست به چپ

■ ۱- هنرپیشه مرد- ارزش و اهمیت کسی نزد دیگران- راندن مزاحم ■ ۲- شهری در سوریه- زباله‌دان- پول اکوادور ■ ۳- علامت اختصاری سازمان ملل- مأیوس- از وسایل بدن‌سازی ■ ۴- شاعر گوید نگهدار که نیکوست- زننده گل قهرمانی اسپانیا در جام جهانی ۲۰۱۰ ■ ۵- بازی نهایی- سوا- داخل مکان زیارتی ■ ۶- کارزار- نژاد ما- ضدعفونی شده ■ ۷- اجلاس- گازی که در سیستم‌های خنک کننده نیز کاربرد دارد ■ ۸- سوره سبحان- منحرف- درخشان ■ ۹- میلگردهای استفاده شده در بتن سازه‌های بتنی- همگانی ■ ۱۰- ممیزی مطبوعات- تسمه چربی- ستاره پروین ■ ۱۱- قطار- ابوالبشر- فاکس ■ ۱۲- از تأمین کننده‌های آب تهران- بالیدن؛ نازیدن ■ ۱۳- سیاه‌پوست- طبیعی- از محلات شمال تهران ■ ۱۴- بیع متقابل- جزیره مورد اختلاف روسیه و ژاپن- وصله ناپیدا ■ ۱۵- نباید به ناشی داد- آبی تیره- فغان

از بالا به پایین

■ ۱- زنده کردن- تمرین- خشن و ناهموار ■ ۲- دوره نهفتگی بیماری- ملیت گوگول- تیمی قدرتمند در فوتبال انگلیس ■ ۳- پس از ایست قلبی دومین عامل مرگ و میر انسان‌ها در کشور است ■ ۴- لوله تنفسی- سیاره مریخ- برچسب ■ ۵- شهر فراری- کمربند مسیحیان- زمینی که در آن کشت نمی‌شود- ویتامین انعقاد خون ■ ۶- امان؛ پناه- روزنامه چاپ انگلیس ■ ۷- پدر- فرومایگی- جهانگرد ونیزی ■ ۸- دانشمندان- گلابی- خیس و مرطوب ■ ۹- برانگیختن- برعکس- گندم سوده‌شده ■ ۱۰- کنگره سر دیوار- کتاب شیخ مفید ■ ۱۱- برگ برنده- بنفش ملایم- برنج‌فروش- پیچیدن ■ ۱۲- از جزیره‌های کشور یونان در آسیا- دردمندی- از حروف یونانی ■ ۱۳- عامل اصلی اضافه وزن و بروز انواع بیماری‌ها در بین هموطنان ■ ۱۴- ملازم و خادم پادشاه- دستور- وفای به عهد ■ ۱۵- میان‌سال- رنگدانه- رندان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۵	۷				۱		
				۹				
		۱				۶	۳	
		۴	۳		۱	۹		
۶	۱							۴
				۴				۵
						۷	۶	
۹	۳				۴			
			۸		۵			

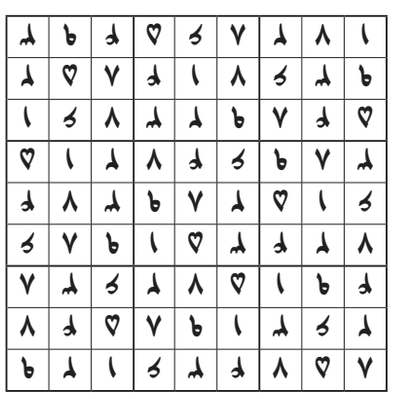

جدول کلمات متقاطع
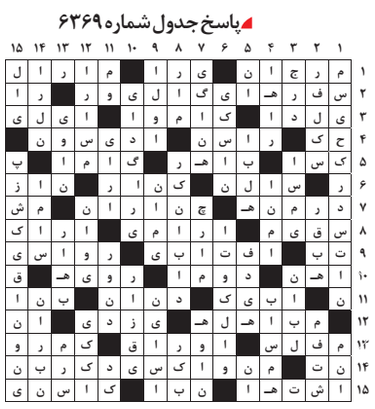
پاسخ جدول شماره ۶۳۶۹